

ارث زوجه در فقه امامیه و حقوق ایران

حمید الله وردی زاده

دانشجوی دکتری رشته حقوق گرایش فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه

h.hamidy53@yahoo.com

دکتر سید مهدی قریشی

عضو هیات علمی دانشگاه ارومیه و امام جمعه و نماینده محترم ولی فقیه استان ارومیه

sm.ghoreishi@urmia.ac.ir

دکتر رضا نیکخواه سرنقی

عضو هیات علمی دانشگاه ارومیه

r.nikkhah@urmia.ac.ir

چکیده

سخن گفتن از حقوق انسان در قالب جدید و مدون یکی از مهم ترین ویژگیهای دوران معاصر است، و در آن میان حقوق زوجین بخصوص حقوق زوجه از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. رفع تبعیض های حقوقی ناشی از جنسیت، در ابعاد مختلف زندگی حقوقی بشر، با تاکید بر حقوق زنان، محور اصلی همه معاهدات و اعلامیه های بین المللی و منطقه ای مربوط به حقوق زنان را تشکیل می دهد. دفاع از حقوق مالی زنان از جمله بهره آنان از ارث یک بحث بسیار مهم از حقوق زنان است. لذا اسلام نیز بعنوان آخرین و کاملترین دین به این مهم پرداخته و احکام و روایات مختلفی در این خصوص با رویکرد رعایت عدالت بیان نموده است. زوج از کلیه اموال و حقوق مالی زوجه ارث می برد لکن در مورد نوع اموالی که زوجه از آن ارث می برد اختلاف نظر وجود دارد. یک نظر این است که با توجه به ظاهر قرآن، زوجه از جمیع اموال و از عین آن ها ارث می برد. نظر دیگر محرومیت زوجه از عین یا قیمت برخی اموال است و نظر آخر تفصیل بین زوجه صاحب فرزند و فاقد فرزند است: زوجه صاحب فرزند از جمیع اموال زوج ارث می برد ولی زوجه فاقد فرزند از ارث برخی اموال محروم است.

نظر مشهور فقیهان امامیه ارث بردن زوجه از قیمت بنا و درخت و نه از عین آن ها و محرومیت او از عین و قیمت زمین است که ماده ۹۴۶ قانون مدنی از آن پیروی کرده بود. در اصلاحیه سال ۱۳۸۷ ماده ۱ مزبور، زوجه از ارث عین اموال غیر منقول اعم از بنا و زمین محروم بوده ولی از قیمت آن ها محروم نیست. پژوهش حاضر پس از نقد کلیه نظرات نظر اول را ترجیح می دهد. در این پژوهش ابتدا به بررسی مقایسه ای ارث زن و مرد در ادیان الهی و غیر الهی و همچنین برخی تمدنهای بزرگ و نظام های حقوقی پرداخته می شود؛ سپس ارث زن و مرد در حقوق اسلام و ایران و نیز مبانی تحولات قانونی راجع به ارث زوجه در حقوق ایران بررسی می شود. در طول این بررسیها محرومیتها و امتیازهای زن و مرد نسبت به یکدیگر با توجه به دین و آداب و رسومشان ذکر می شود. در نهایت، میانگین تکالیف و امتیازهای مالی زن و مرد مورد مقایسه قرار گرفته و میزان انعکاس عدالت تشریحی در منظومه حقوق و تکالیف مالی این دو، در حقوق اسلام و قوانین موضوعه ایران ارزیابی می شود.

کلیدواژه ها

ارث ، زن ، عدالت ، دین اسلام ، حقوق ایران

مقدمه

اسلام احکام ارث را بر اساس مرد یا زن بودن (عامل جنسیت، که در اقوام ملل غیر اسلام که ذکر شد، مورد توجه بوده است). وضع نکرده است؛ بلکه بر اساس مسؤولیت مالی و موقعیتی که آن دو در خانواده دارند و به ملاحظه مسؤولیتها و تکالیفی که بر عهده آنها نهاده شده است، قرار داده است. بنابراین، سهم الارث متفاوت، با دیدگاه کلی اسلام نسبت به خانواده و تقسیم وظائف و مسؤولیتها، سازگار و عادلانه است.

قرآن کریم در سوره نساء، با عادات و رسوم غلطی که زنان، کودکان و افراد ناتوان را از ارث محروم می‌ساخت، به مبارزه برخاست و بر روی تمام آن قوانین غلط، خط بطلان کشید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا»؛ یعنی: برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود به جا می‌گذارند سهمی است. برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان به جا می‌گذارند سهمی است؛ خواه آن مال کم باشد یا زیاد. بنابراین، هیچ کس حق ندارد که سهم دیگری را غصب (به زور از او بگیرد) کند. سپس در پایان آیه شریفه برای تأکید مطلب می‌فرماید: «این سهمی است تعیین شده و لازم الأداء (لازم است که داده شود)». تا هیچ‌گونه تردید در این بحث باقی نماند. ذکر حکم میراث زن در جمله جداگانه، بدان جهت است که استقلال زنان را در ارث همانند مردان بیان کند. (الشوکانی، ۱۳۴۳) به حکم قرآن کریم، به زن که تا زمان جاهلیت، نه تنها حق ارث نداشت (بلکه خود جزء اموال و میراث متوفی به حساب می‌آمد). حق ارث داده شد و به دنبال آن به او، حق تصرف در اموال (همانند مردان) عطا شد؛ چه زن، شوهر داشته باشد و چه نداشته باشد. در هر حال، از نظر اسلام، زن حق تصرف استقلالی در اموالش را دارد و شوهر ولایتی بر اموال زن ندارد. لذا در این مقاله سعی شده است تا بطور خلاصه ارث زن از دیدگاه اسلام و حقوق ایران مطرح شده و علت اختلاف در حقوق زن و مرد به خصوص در مسئله ارث بررسی شود.

ارث زن

ارث، سنتی بوده که از قدیمی‌ترین دوران بشری وجود داشته و در طول تاریخ دچار تغییر و تبدیل و تکامل گردیده است. ارث زن از این قاعده مستثنی بوده و در نزد رومیهای باستان، زنان (دختر، همسر، مادر) به هیچ‌وجه حق ارث نداشته در یونان ارث را فقط پسر بزرگ‌تر می‌برد و زنان و خردسالان به طور کلی حق ارث نداشتند. در کشورهای هند، مصر و چین نیز همچنان زنان از میراث محروم بودند. در میان ایرانیان قدیم که نکاح با محارم و تعدد همسر و فرزندخواندگی رواج داشت، محبوب‌ترین همسر به شرط کبیر بودن و دختران ازدواج نکرده و پسر و پسرخواندگان ارث می‌بردند. اما عرب زن را مطلقاً از ارث محروم می‌نمود و پسر ارشد فقط ارث می‌برد. در چنین هنگامی که سنن و مقررات متفاوتی در جهان حکم فرما بود آیات ارث نازل شد. (طباطبایی، ۱۳۵۵) در قرآن کریم (آیه ۱۲ سوره نساء) میزان سهم الارث زن تعیین گردیده است. میزان ارث زوجه در صورت عدم وجود اولاد برای متوفی و در صورت فرض اولاد برای شوهر که همین حکم قرآن در ماده ۹۱۳ قانون مدنی مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. احکام مزبور «حدود الله» است (احکامی که میزان آن توسط خداوند تعیین شده است) که خداوند تبارک در آیه ۱۳ سوره نساء بندگان خود را تکلیف به اطاعت از آن می‌نماید. چون مبنای میزان ارث زن از ماترک شوهر بر اساس حکم قرآن می‌باشد امکان تغییر آن در نظامات حقوق اسلامی وجود ندارد و مذاهب مختلف اسلام در آن اتفاق نظر دارند اما چنانچه خواهیم در مورد نقصان ارث زن، او را مورد حمایت قرار دهیم و در جهت رفع نیازمندی آنان پس از فوت شوهر و جلوگیری از مفسده‌های احتمالی در اثر فقر مالی زنان، که یکی از عوامل انحرافات اخلاقی است، اقدامی انجام دهیم می‌توان به راه‌حل‌های فرعی توسل جست تا زوجه پس از فوت شوهر علاوه بر مصیبت از دست دادن شوهر گرفتار مصیبت مالی نشود و نیازهای مالی خود را بتواند مرتفع نماید. یکی از آن راه‌حل‌ها می‌تواند موضوع پرداخت «اجرت‌المثل» به زوجه باشد، یعنی به زن اجازه داده شود پس از فوت شوهر

همانطوریکه مهریه را از ماترک شوهر وصول می‌کند، اجرت‌المثل سنوات زندگی مشترک را نیز از اموال ماترک شوهر مورد مطالبه و وصول قرار دهد. پرداخت اجرت‌المثل از ماترک شوهر به زنی که همسر خود را از دست داده و به خصوص سالهای طولانی جوانی و انرژی خود را صرف زندگی زناشویی و تربیت فرزندان و انجام خدماتی در زندگی مشترک نموده است، می‌تواند جایگزین محدودیتهای ارث زن شود که با هدف تأمین مادی زن شوهر از دست داده می‌باشد. راه‌حل دیگر وصیت مفروض است که پرفسور کاتوزیان (پدر علم حقوق در ایران) بعنوان راه‌حل فرعی برای جبران فرض (مقدار ارث تعیین شده در قرآن) زن یاد می‌نماید با این توضیح که «قانون‌گذار می‌تواند اعلام کند، در صورتی که زن همراه طبقه دوم و یا سوم وارثان فرض می‌برد (در قانون مدنی ایران برای ارث سه طبقه مشخص شده است که با وجود طبقه اول به طبقات بعدی ارث نمی‌رسد و عبارتند از:

طبقه اول: پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد

طبقه دوم: اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها

طبقه سوم: اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها). چنین فرض شود که شوهر ثلث اموال خود را به سود زن وصیت کرده، مگر آنکه خلاف آن از وصیت‌نامه یا سایر مدارک و اسناد استنباط شود. (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶) راه‌حل دیگر، پرداخت مستمری به زوجه شوهر از دست داده از قوانین تأمین اجتماعی و پرداخت مهریه به نرخ روز فوت شوهر که امروزه در حال اجرا می‌باشد، راه‌حلهایی فرعی هستند که تا حدودی نقصان میزان ارث زن را جبران می‌نمایند.

موجب ارث زوجین

به حکم ماده‌ی ۸۶۱ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، موجب ارث دو امر است:

۱- قرابت نسبی و ۲- قرابت سببی.

خویشاوندی نسبی، به پیوستگی طبیعی بین انسان‌ها، که نتیجه‌ی تولد انسانی از انسان دیگر است، گفته می‌شود و قرابت سببی، به نوعی از خویشاوندی گفته می‌شود که در اثر ازدواج به وجود می‌آید. (شهیدی، ۱۳۸۱) بدین توضیح که پس از نکاح، زن و شوهر با هم قرابت سببی پیدا می‌کنند. همچنین شوهر با اقربای زن و زن با اقربای شوهر به واسطه‌ی این ازدواج رابطه‌ی خویشاوندی پیدا می‌کنند.

البته این خویشاوندی، سبب ایجاد توارث میان همه‌ی این افراد نخواهد بود و تنها زن و شوهر هستند که به واسطه وجود این خویشاوندی از یکدیگر ارث می‌برند. (امامی، ۱۳۸۳)

نکته‌ی حائز اهمیت در رابطه با ارث بردن زوجین این است که، زن و شوهر همواره به همراه سایر وارثان ارث می‌برند و هرگز وجود هیچ یک از ورثات نمی‌تواند مانع از ارث بردن ایشان بشود (ماده ۸۹۱ و ۹۳۸ قانون مدنی). از سوی دیگر زوج یا زوجه متوفی هیچ‌گاه مانع از ارث بردن سایر ورثات نسبی متوفی نمی‌شوند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶)

شرایط توارث بین زوجین

از آنجایی که توارث میان زن و شوهر از یک سو تابع قواعد و شرایط عمومی ارث می‌باشد و از سوی دیگر قواعد و شرایط اختصاصی نیز بر آن حکمفرما است، به نظر می‌رسد که ضروری است این شرایط را در دو دسته‌ی جداگانه بررسی نماییم:

گفتار اول : شرایط عمومی تحقق ارث میان زوجین

بند اول : فوت همسر (مورث)

بدین توضیح که، تا زمانی که زن و یا شوهر زنده باشد، تمام اموال و حقوق مالی‌اش در اختیار خود او خواهد بود و پس از مرگ است که اموال به‌جا مانده از وی به ناچار باید میان ورثه او تقسیم شود. خواهیم دید که زوج یا زوجه متوفی نیز از جمله همین وارثانند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶)

بند دوم : زنده بودن زوج یا زوجه حین فوت همسر

بدین توضیح که، زوج یا زوجه متوفی باید حین فوت همسر خود زنده باشد تا از ترکه او ارث ببرد.

بند سوم : وجود ترکه

چون مقصود ما از توارث بین زوجین، انتقال تمام یا بخشی از اموال به‌جا مانده‌ی متوفی به همسر وی می‌باشد، بدیهی است اگر مالی نباشد، انتقالی هم در کار نخواهد بود. (شهیدی، ۱۳۸۱)

گفتار دوم : شرایط اختصاصی تحقق ارث میان زوجین

بند اول : وجود پیمان زناشوئی در زمان فوت همسر

اگر چه به واسطه‌ی عقد نکاح زن و مرد با یکدیگر رابطه‌ی خویشاوندی سببی پیدا می‌کنند، لیکن این رابطه می‌تواند در اثر انحلال نکاح از بین برود. این انحلال، خواه در نتیجه‌ی فسخ نکاح یا انفساخ آن یا طلاق رخ دهد، سبب توارث میان زن و شوهر را از بین می‌برد و مانع ارث بردن آن‌ها از یکدیگر می‌شود. پس قرابت سببی زمانی موجب ارث است که در زمان فوت همسر موجود باشد.

بند دوم : دائمی بودن پیمان زناشوئی

به استناد ماده ۹۴۰ و ۱۰۷۷ ق.م. شرط توارث میان زوجین، دائمی بودن عقد نکاح است. در نکاح منقطع هیچ یک از زوجین از دیگری ارث نمی‌برد.

در مورد این شروط ذکر چند نکته حائز اهمیت است:

الف) به حکم ماده‌ی ۹۴۳ ق.م. اگر مردی همسر خود را طلاق رجعی (قابل رجوع برای مرد) بدهد، هر یک از زوجین که در ایام عده‌بمیرد، دیگری از او ارث می‌برد. به استناد ماده‌ی ۱۱۵۰ ق.م. عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن، زنی که عقد نکاح او منحل شده است، نمی‌تواند با مرد دیگر ازدواج کند. لیکن نباید حکم مذکور در ماده‌ی ۹۴۳ را، استثنائی بر شرط وجود پیمان زناشوئی در زمان فوت همسر دانست؛ چرا که به استناد بند ۲ ماده‌ی ۸ قانون امور حسبی، زوجه‌ای که در ایام عده‌ی طلاق رجعی به‌سر می‌برد در حکم زوجه است. مسلماً نتیجه‌ی چنین حکمی این است که آثار عقد نکاح، مانند نفقه‌ی زوجه و توارث میان زوجین و غیره، در این ایام جاری خواهد بود. (امامی، ۱۳۸۳)

ب) به حکم ماده‌ی ۹۴۴ ق.م. اگر شوهر در حال مریضی زن خود را طلاق دهد و ظرف یک سال از تاریخ طلاق به همان مرض بمیرد، زن، مشروط بر اینکه ازدواج نکرده باشد از متوفی ارث می‌برد، اگر چه طلاق بائن (غیر قابل رجوع) باشد. برخی حقوق‌دانان دلیل چنین حکمی را، عدم تاثیر این طلاق در ارث، به‌دلیل حرمت یا کراهت طلاق در واپسین بیماری می‌دانند. برخی نیز مبنای این حکم را جلوگیری از محروم ساختن زن از ارث، در آخرین روزهای زندگی شوهر می‌دانند.

ج) به حکم ماده‌ی ۹۴۵ ق.م. اگر مردی در حال مریضی زنی را به عقد خود در آورد و در همان مرض بمیرد، زن به شرطی ارث می‌برد که میان آن‌ها آمیزش صورت گرفته باشد. علی‌رغم اینکه نزدیکی شرط تحقق ارث بین زوجین نمی‌باشد، قانون‌گذار در این مورد خاص، چنین شرطی پیش‌بینی نموده است. علت چنین حکمی این است که قانون‌گذار خواسته احتمال وجود انگیزه

اضرار به وراثت را، از سوی مورث از بین ببرد. بدین توضیح که آمیزش با زن را، دلیل واقعی بودن نیاز شوهر، به داشتن همسر و نداشتن انگیزه‌ی اضرار به سایر ورثه فرض کرده است.

تفاوت ارث زن و مرد در حقوق اسلام

این که زن و مرد دارای تفاوت‌های متعدد در زمینه‌های جسمی و روحی و عاطفی اند مورد قبول همگان است. پروفیسور «ریک» روانشناس معروف آمریکایی که سالیان دراز به تفحص و جستجو در احوال زن و مرد پرداخته و کتاب بزرگی درباره تفاوت‌های زن و مرد نگاشته است می‌گوید: «زن و مرد جسم‌های متفاوت و از نظر ترکیب به کلی با هم فرق دارند. احساس این دو گروه هیچ وقت مثل هم نخواهد بود. وی چندین تفاوت غیر از این دو مورد کلی را از تفاوت‌های زن و مرد به ترتیب بر می‌شمارد.» (مطهری، ۱۳۶۸) از نظر اسلام زن و مرد دو انسان مکمل یک‌دیگر و محتاج به هم دیگر و هر یک جدای از دیگری ناقص است. بنا بر این هیچ‌گاه از همه جهات مساوی و مشابه نیستند و تفاوت‌ها و اختلافات انکارناپذیری از نظر جسمی و روحی دارند که لازمه نقش و وظیفه هر یک در جهان خلقت است؛ زیرا اگر هر دو از هر نظر با هم مساوی بودند نمی‌توانستند نیازهای هم‌دیگر را برآورده کنند. لذا تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که در زیر به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. هورمون‌ها، میزان و نوع ترشح آن‌ها در سوخت و ساز مواد مصرف شده توسط انسان، رشد اندام‌های گوناگون انسان، ایجاد حالت‌های هیجانی همانند پرخاشگری و حالت تهاجمی، مقاومت فرد در برابر میکروب‌ها، فعالیت جنسی و دیگر ابعاد جسمانی و نیز رفتاری و روانی هر یک از جنس زن و مرد تأثیرگذارند و تفاوت‌های بین زن و مرد را نمایان تر می‌کنند.

۲. پیچیده‌تر بودن دستگاه تناسلی زن نسبت به مرد، تحولات هورمونی و تغییرات آن در هر ماه در طول عمر زن، مسائلی همچون قاعدگی، آبستنی، زایمان، شیردهی، یائسگی را پدید می‌آورد و بر جسم و روان و کار و رفتار زن تأثیر می‌گذارد. (آسیموف آیزاک، ۱۳۷۲)

۳. بر اساس آمارها، طول عمر زنان ۴، ۷، ۸ و ۱۰ سال بیش از مردان است و به طور متوسط، آنان حدود ۷ سال بیشتر از مردان زندگی می‌کنند. (حسینی، ۱۳۸۱) از نظر مغز و اعصاب نیز بین مغز زن و مرد تفاوت‌هایی قابل توجه وجود دارند. درباره این تفاوت‌ها به لحاظ سلولی، حجم و اندازه، تعامل با هورمون‌های بدن و کارکردها، بررسی‌های دقیق‌تری صورت گرفته‌اند.

۴. از نظر استخوان بندی نیز بین زن و مرد تفاوت‌های زیادی بیان شده‌اند، به گونه‌ای که در پزشکی قانونی، از این تفاوت‌ها به جنسیت فرد پی می‌برند؛ مثلاً، گفته‌اند: استخوان‌های جمجمه و لگن از نظر جنسیت، بیشترین تفاوت‌ها را دارند، به گونه‌ای که از ۹۰ درصد افراد، تنها با بررسی جمجمه و لگن، می‌توان جنسیت آن‌ها را مشخص کرد. (کریستین، ۱۳۷۵)

همچنین، در دیگر ابعاد جسمانی همچون دستگاه ادراری، قلب و ریه و دیگر اندام‌های انسان نیز به تفاوت‌های بین دو جنس تصریح شده و از سوی محققان و دانشمندان و بخصوص فیزیولوژیست‌ها تحقیقات و بررسی‌هایی صورت گرفته‌اند

۵- زنان در برخورد با مسایل و مشکلات، به جزئیات، توجه بیشتری داشته و احساسی‌تر عمل می‌کنند، ولی مردان در مقابله با مشکلات و مسایل، کلی‌نگری کرده و منطقی‌تر عمل می‌کنند.

پس چون زن و مرد دارای تفاوت‌های گوناگون در زمینه‌های فوق می‌باشند لذا لازم است تا حقوق مختلفی را نیز داشته باشند، که اسلام و به تبعیت آن حقوق ایران به این مسئله توجه کاملی داشته است.

با وجود تمام این اختلافات اسلام می‌گوید باید بین آنان عدالت برقرار باشد و لازمه برقراری عدالت بین زن و مرد این است که حقوق دو طرف متفاوت و بر اساس توانایی و وظائف و تکالیف آنان باشد؛ زیرا اگر توانایی و وظائف و تکالیف زن و مرد متفاوت

ولی حقوق‌شان مساوی باشد قطعاً به یک طرف ظلم خواهد شد. در نظام حقوقی اسلام، زن برحسب عناوین همسر، فرزند (دختر)، مادر و خواهر، از ارث بهره‌مند می‌شود که به طور تفصیلی به هر مورد می‌پردازیم:

الف - ارث زن، به عنوان همسر :

همسر در تمام طبقات با همه ورثه شریک می‌شود؛ اگر متوفی (شوهر) فرزند نداشته باشد، همسرش یک چهارم و اگر فرزند داشته باشد، یک هشتم ارث می‌برد. قرآن کریم در سوره نساء آیه ۱۲ این باره می‌فرماید: «وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ» یعنی: اگر فرزندی نداشته باشید، پس از انجام وصیت و پرداخت دیون (بدهکاریها)، یک چهارم میراثتان از آن زنانان است و اگر دارای فرزند بودید (اگر چه این فرزند از همسر دیگر باشد)، یک هشتم ترکه (اموال بجا مانده از متوفی) متعلق به آنهاست.

شایان توجه است که اگر متوفی (شوهر) چند همسر داشته باشد، یک چهارم یا یک هشتم ترکه که به همسران می‌رسد، به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود. مستند این حکم، روایت است: «ولاتزاد المرأة علی الربع و لا تنقص من الثمن و ان کن اربع او دون ذلک فهنّ فیه سواء» (شیخ صدوق، ۱۳۵۳) یعنی: همسر هیچ‌گاه سهمش بیش از ربع (یک چهارم) و کمتر از ثمن (یک هشتم) نمی‌شود؛ چهار نفر باشند یا کمتر، همه آنها در همان یک چهارم یا یک هشتم، به طور مساوی شریکند. در مقدار سهم ارث زن از اموال همسرش ماده ۹۱۳ قانون مدنی ایران می‌گوید: «هر یک از زوجین که زنده باشند فرض خود را می‌برد و این فرض (سهم معین قرآنی) عبارت است از نصف ترکه برای زوج (شوهر) و ربع (یک چهارم) آن برای زوجه (همسر) در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد و از ربع ترکه برای زوج و ثمن (یک هشتم) آن برای زوجه، در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد، مابقی ترکه بر طبق مقررات بین سایر وراث (کسانی که ارث می‌برند) تقسیم می‌شود. ماده ۹۴۶ قانون مدنی بیان می‌دارد که: زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد و زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج، یک هشتم از عین اموال منقول (اموالی که قابل انتقال هستند) و یک هشتم از قیمت اموال غیر منقول (اموالی که قابل انتقال نیستند) اعم از عرصه (زمین) و اعیان (آنچه بر روی زمین ساخته می‌شود) ارث می‌برد. در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می‌باشد. همچنین در ماده ۹۴۰ قانون مدنی آمده است که: زوجین (زن و شوهر) که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع‌الارث نباشند، از یکدیگر ارث می‌برند.

گروهی از فقهاء معاصر و مراجع تقلید از جمله حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر این عقیده هستند که زوجه خواه از شوهرش دارای فرزند باشد خواه نباشد از اصل عقار ارث نمی‌برد لکن از قیمت زمین اعم از زمین خانه، مغازه، باغ یا مزرعه ارث می‌برد. (بابگاه

اینترنتی شیعه نیوز «فتوای جدید رهبر انقلاب در باب سهم الارث زنان»

ادله و مستندات فقهی

الف. قرآن

با بررسی و دقت در آیات قرآن ناظر بر ارث زن از شوهر، بی‌هیچ شبهه‌ای می‌توان ادعا کرد که ظاهر و مقتضای ادله لفظی (اطلاقات و عموماً) بر عدم محرومیت زوجه از عقار و ارث بردن او از یک چهارم یا یک هشتم تمام ترکه شوهر دلالت دارد. ۱- سوره نساء آیه «۷»: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيباً مَّفْرُوضاً.»

۲- سوره مبارکه نساء آیه ۱۲ «وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ» عموم فقهاء و مفسرین در تبیین آیات فوق معتقد هستند که این آیات بر ارث بردن زوجین از یکدیگر برابر نصیب تعیین شده

توسط خداوند متعال دلالت دارد و از طرفی متعلق ارث نیز هیچ‌گونه تحدید و تخصیصی ندارد مگر مواردی که توسط دلائل خاص و حدیثی از این اطلاعات و عموماً مستثنا شده است. (جعفر سبحانی ۱۴۲۳ ه.ق)

ب. روایات

در قبال ظاهر آیات، مجموعه‌ای از روایات - که در آنها روایت صحیح نیز وجود دارد - دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار دارد. شیوه بیان این روایات مختلف است، پاره‌ای از آنها دلالت بر حرمان زوجه از ارث عین ساختمانها نیز دارد و براساس آنها زوجه فقط از قیمت ساختمان ارث می‌برد. این روایات را بر حسب دلالتشان می‌توان به چند دسته تقسیم کرد.

دسته اول: روایاتی که ظاهرشان دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار و مطلق زمین دارد، بی آنکه متعرض کیفیت ارث او از ساختمان شده باشد:

کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش، از محمد بن عیسی، از یونس، از محمد بن حرمان، از زراره، از محمد بن مسلم - در نسخه خطی: زراره و محمد بن مسلم - از امام باقر (ع) نقل کرده است
: : النَّسَاءُ لَا يَرِثْنَ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا مِنَ الْعَقَارِ شَيْئاً. «(حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق)
زنان از زمین و از عقار هیچ ارث نمی‌برند.

دسته دوم: روایاتی که ظاهر آنها دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار و ضیاع و ارث بردن او از عین ساختمان دارد:

۱ - شیخ طوسی در تهذیب از حسن بن محمد بن سماعه، از محمد بن زیاد، از محمد بن حرمان، از محمد بن مسلم و زراره، از امام باقر (ع) نقل می‌کند
: : أَنْ النَّسَاءَ لَا يَرِثْنَ مِنَ الدَّوْرِ وَلَا مِنَ الضِّيَاعِ شَيْئاً إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَحَدُهَا بِنَاءً فَيَرِثُنَ ذَلِكَ الْبِنَاءَ. «شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق»
زنان از خانه‌ها و ضیاع - اراضی کشاورزی - هیچ ارث نمی‌برند، مگر آنکه ساختمانی احداث شده باشد که در این صورت از ساختمان ارث می‌برند.
ظاهر عبارت «فیرثن ذلك البناء» این است که از عین ساختمان ارث می‌برند نه فقط از قیمت آن.

دسته سوم: روایاتی است که دلالت بر تفصیل در ارث زوجه دارند.

براساس این روایات، زوجه از خانه‌ها و عقار و زمینها ارث نمی‌برد، ولی از قیمت ساختمان و آلات و مصالح ساختمانی ارث می‌برد. اکثر روایات میراث زن و شوهر در این دسته جای دارند و لسان آنها نیز مختلف است: برخی از آنها حکم محرومیت را به رباع - منازل - و زمین خانه اختصاص داده‌اند، برخی دیگر عقار را به صورت مطلق آورده‌اند؛ بنابر آنکه اطلاق عقار شامل هر زمینی می‌شود، بعضی از آنها به محرومیت زوجه از ارث قریه‌ها نیز تصریح کرده‌اند، در بعضی دیگر - چنانکه در روایت زراره و محمد بن مسلم که در روایات قبلی گذشت - به محرومیت زوجه از ارث ضیاع نیز تصریح شده است. در بعضی دیگر از این روایات به محرومیت زوجه از ارث سلاح و چهار پایان نیز تصریح شده است که این حکم از نظر فقهی نا محتمل است. همچنین در ذیل برخی از این روایات، حکم محرومیت زوجه از اشیای یاد شده این‌گونه تعلیل شده است: «لئلا يتزوجن فيفسدن على أهل الموارث موارثهم، تا زنان با ازدواج با دیگری، میراث ورثه را تباه نسازند». (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق)
در برخی دیگر از روایات این دسته، تفصیل میان زمین و قیمت ساختمان و آلات ساختمانی به لفظ استثنا و استدراک آمده است؛ مانند: «إلا أنه تعطى حقها» یا «و أنه تعطى حقها ... من قيمة البناء».
بعضی از فقها این بیان را ظاهر در اعطای همه حق زوجه - حتی در مورد زمین - از قیمت دانسته‌اند.

کلینی از عده‌ای، از سهل بن زیاد و از محمد بن یحیی از احمد بن محمد، و از حمید بن زیاد از ابن سماعه، همگی از ابن محبوب از علی بن رثاب، از زراره از امام باقر (ع) نقل کرده است
« أَنْ الْمَرْأَةَ لَا تَرِثُ مِمَّا تَرَكَ زَوْجُهَا مِنَ الْقَرَى وَالذُّورِ وَالسَّلَاحِ وَالذُّوَابِ شَيْئًا وَتَرِثُ مِنَ الْمَالِ وَالْفُرْشِ وَالثِّيَابِ وَمَتَاعِ الْبَيْتِ مِمَّا تَرَكَ وَ يَقُومُ النَّقْضُ وَالْأَبْوَابُ وَالْجُدُوعُ وَالْقَصَبُ فَتُعْطَى حَقَّهَا مِنْهُ؛ (کلینی، ۱۴۰۷ه.ق.)
زن از قریه‌ها و خانه‌ها و سلاح و چهارپایان شوهرش هیچ ارث نمی‌برد، و از مال و فرش و لباسها و اثاث خانه ارث می‌برد.
مصالح ساختمانی و دربها و چوبها و حصیرها قیمت شده و حق او از آنها داده می‌شود.
شیخ طوسی نیز همین حدیث را با اسناد خود از احمد بن محمد، از حسن بن محبوب، از علی بن رثاب، از زراره و خطاب بن ابی محمد همدانی از طربال بن رجاء از امام صادق (ع) روایت کرده است. (طوسی، ۱۳۹۰ه.ق.)

دسته چهارم: روایاتی است که دلالت بر عدم محرومیت زوجه به طور مطلق یا زوجة دارای فرزند از ارث عقار دارد.
دو روایت در این باره آمده است:

۱- صحیح ابن ابی یعفور از امام صادق (ع):

سألته عن الرجل هل يرث من دار امرأته أو أرضها من التربة شيئاً، أو يكون في ذلك بمنزلة المرأة فلا يرث من ذلك شيئاً؟
فقال: يرثها و ترثه من كل شيء ترك و تركت؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹ه.ق.)

از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا مرد از خاک خانه یا زمین همسرش چیزی ارث می‌برد یا مرد نیز همچون زن از خانه و زمین ارث نمی‌برد؟ امام (ع) فرمود: مرد از همه ماترک زن و زن از همه ماترک مرد ارث می‌برد.

۲- شیخ صدوق از ابن ابی عمیر، از ابن اذینه نقل کرده است

: في النساء إذا كان لهنّ ولد أعطین من الرباع؛ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ه.ق.)
به زنانی که فرزند داشته باشند، از رباع داده می‌شود.

ب- ارث زن، به عنوان فرزند

اگر دختر، تنها فرزند خانواده باشد، تمامی ترکه به او می‌رسد و اگر همه فرزندان متوفی دختر باشند، اموال به صورت مساوی بینشان تقسیم می‌گردد؛ ولی اگر متفاوت باشند (بعضی پسر و بعضی دختر)، پسر دو برابر دختر، ارث می‌برد؛ قرآن کریم در این باره در سوره نساء آیه ۱۱ می‌فرماید: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» یعنی: خداوند به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که (از میراث) برای پسران، دو برابر سهم دختران قائل شوید.
ودر قسمت آخر ماده ۹۰۷ قانون مدنی ایران آمده است که: اگر اولاد (بجامانده از متوفی) متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر ارث می‌برد.

ج- ارث زن، به عنوان مادر

موارد ارث مادر بدین قرار است: ۱- هرگاه متوفی، غیر از مادر، وارثی نداشته باشد، در این صورت تنها وارث همین مادر خواهد بود؛ یک سوم مال رابه فرض (یعنی سهم تعیین شده در قرآن) و بقیه رابه رد، (یعنی بعد از آنکه سهم آنهایی که سهمشان معین است داده شد بقیه مال را به وارثی که سهم معینی ندارد می‌دهند) می‌برد. ۲- هرگاه متوفی، فقط مادر و همسری داشته باشد، مادر سه چهارم ترکه (اموالی که از میت بجا مانده و هنوز تقسیم نشده) را می‌برد؛ یک سوم را به فرض و باقی را به رد. (معنی اینها در بالا شماره یک بیان شد) ۳- هرگاه متوفی، فقط مادر و شوهری داشته باشد، مادر نصف ترکه را می‌برد؛ یک

سوم را به فرض و باقی را به رد. ۴- هرگاه متوفی، وارثی غیر از مادر و پدر نداشته باشد، مادر یک سوم ترکه را می‌برد. در صورتی که متوفی، حاجب (کسی را که مانع ارث بردن دیگران می‌شود) نداشته باشد مانند: دو برادر یا چهار خواهر، یا یک برادر و دو خواهر ابوینی، (یعنی برادر و خواهری که از یک پدر و مادر هستند) یا ابی (یعنی برادر و خواهری که دارای یک پدر اما از مادر جدا هستند)، گرچه این افراد، خودشان نه با پدر ارث می‌برند و نه با مادر؛ ولی حاجب می‌شوند و نمی‌گذارند مادر بیش از یک ششم ارث ببرد. ۵- هرگاه متوفی، مادر و یک دختر داشته باشد، مادر یک چهارم ترکه را به طور کامل می‌برد. ۶- اگر متوفی، مادر و پدر و برادرانی داشته باشد که حاجب (کسی را که مانع ارث بردن دیگران می‌شود) بیش از یک ششم شوند، در این صورت مادر یک ششم ترکه را می‌برد و همچنین اگر پسر یا پسرانی با مادر باشند، مادر یک ششم می‌برد. ۷- اگر متوفی، مادر و دو دختر داشته باشد، مادر یک پنجم ترکه را می‌برد. ۸- هرگاه متوفی، مادر و دختر داشته باشد، مادر کمتر از یک پنجم و بیشتر از یک ششم می‌برد.

قرآن کریم در سوره نساء آیه ۱۱ باره ارث مادر می‌فرماید: «وَالْأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَكَدَّ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَكَدَّ وَوَرَّثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثَّلَاثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ» یعنی: و اگر متوفی فرزندی نداشته باشد، هر یک از پدر و مادر، یک ششم میراث می‌برند و اگر فرزندی نداشته باشد و میراث‌بران، تنها پدر و مادر، باشند، مادر یک سوم دارایی را می‌برد. اما اگر برادرانی داشته باشد، سهم مادر پس از انجام وصیت متوفی و پرداخت دیونش (بدهی اش)، یک ششم است. که مسائل فوق در مواد ۹۰۶ و ۹۰۸ و ۹۰۹ قانون مدنی ایران ذکر شده است.

۹

د- ارث زن، به عنوان خواهر

درباره ارث خواهر، در قرآن کریم دو آیه نازل شده است: در آیه دوازدهم سوره نساء می‌خوانیم: «وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثَّلَاثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةٍ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ» یعنی: اگر مردی از دنیا برود، کلاله (خواهر یا برادر) از او ارث می‌برند. یا زنی از دنیا برود و برادر و خواهری داشته باشد، هر یک از آنها یک ششم ترکه را به ارث می‌برند. این حکم در صورتی است که از متوفی یک برادر یا یک خواهر باقی بماند؛ اما اگر بیش از یکی باشند، مجموعاً یک سوم مال را به ارث می‌برند (یک سوم مال را در میان خود تقسیم می‌کنند).

در آیه ۱۷۶ همان سوره (نساء) آمده است: «از تو (درباره خواهران و برادران) سؤال می‌کنند. بگو: خداوند، حکم کلاله (خواهران و برادران) را برای شما بیان می‌کند.» سپس به چند حکم اشاره شده است: ۱- هرگاه مردی از دنیا برود و فرزندی نداشته باشد و یک خواهر داشته باشد، نصف میراث او به آن خواهر می‌رسد. ۲- اگر زنی از دنیا برود و فرزندی نداشته باشد و یک برادر (پدر و مادری یا پدری تنها) از خود به یادگار بگذارد، تمام ارث او به آن برادر می‌رسد. ۳- اگر کسی از دنیا برود و دو خواهر از او به یادگار بمانند، دو ثلث (۲/۳) از میراث او را می‌برند. ۴- اگر ورثه متوفی چند خواهر و برادر باشند (از دو نفر بیشتر)، تمام میراث او را بین خود به طور مساوی تقسیم می‌کنند؛ به طوری که سهم هر برادر دو برابر سهم یک خواهر شود. ماده ۹۱۸ قانون مدنی نیز بیان کرده است که: اگر میت اخوه ابوینی داشته باشد (خواهر ابی ارث نمی‌برد در صورت نبودن اخوه ابوینی) (برادران و خواهران که از یک پدر و مادر هستند)، اخوه ابی (برادران و خواهران که دارای یک پدر اما از مادر جدا هستند)، حصه ارث (سهم ارث) آنها را می‌برند. اخوه ابوینی و اخوه ابی هیچ کدام اخوه امی (برادران و خواهران که دارای یک مادرا را می‌برند) جدا هستند، راز ارث محروم نمی‌کنند. همچنین مواد ۹۱۹ تا ۹۲۲ قانون مدنی در این خصوص می‌باشد.

علت اختلاف سهم الارث زن و مرد در اسلام

باید توجه داشت که کمتر بودن سهم الارث زن در برخی موارد، دلیل بر این نیست که اسلام، ارزش و شخصیت زن را نادیده گرفته است؛ بلکه صرفاً به سبب تفاوت‌های موجود بین زن و مرد از جهات مختلف و عوامل اقتصادی و اجتماعی است که حقوق مختلفی را نیز می‌طلبد. با توجه به نکات زیر که زیربنای فلسفه تفاوت میراث زن و مرد است، قوانین ارث در نظام حقوقی اسلام، بر اساس موقعیت اجتماعی و به حکم وضع طبیعی‌ای که هر کدام از زن و مرد دارند، تنظیم شده است و ملاک، تنها زن یا مرد بودن نیست و این گمان که همیشه زن صرفاً به دلیل جنسیت، نصف مرد ارث می‌برد، ناشی از بی‌دقتی و عدم مطالعه و تحقیق، در احکام ارث در اسلام است؛ زیرا گاهی سهم الارث (سهمی که انسان از اموال متوفی به ارث می‌برد) آن دو مساوی است؛ مانند سهم الارث پدر و مادر وقتی که با فرزند متوفی همراه شوند که پدر و مادر یکسان ارث می‌برند و یا متوفی، تنها منسوبین به مادر داشته باشد؛ علاوه بر این، در بعضی موارد سهم زن بیش از مرد است؛ مانند: صورتی که وارث متوفی منحصر به پدر و مادر و شوهر باشد که مادر یک سوم (۱/۳) و پدر یک ششم (۱/۶) ترکه (اموالی که از متوفی بجا مانده و هنوز تقسیم نشده است) را به ارث می‌برد و یا موردی که همسر با چند برادر و خواهر همراه شود. احکام ارث به لحاظ مصالح اجتماعی، وضع شده و در مواردی که مصلحت اقتضا نماید یا خود شخص تمایل داشته باشد که ورثه‌اش به یک اندازه از اموال او بهره‌برند، می‌تواند از حق وصیت خود برای تقسیم سهام و برابری آن استفاده نماید. دین مبین اسلام در تمام مواردی که شخصیت انسانی، ملاک قانونگذاری است، حقوق کاملاً یکسانی برای زن و مرد وضع کرده است؛ همچون: آزادی در ایمان، ثواب و عقاب (عذاب)، تعلیم و تربیت، شغل، ازدواج و... یگانه ملاک برتری در این شریعت، کرامتی است که با تقوی به دست می‌آید؛ نه با اموال و دارایی. اگر مرد تقوای بیشتری داشته باشد، از زن برتر است و اگر زن با تقواتر باشد، او برتر است. سهم الارث، ارزش و فضیلت نیست؛ بلکه مسؤولیت‌آور است و نمی‌تواند بیانگر شخصیت زن از دیدگاه اسلام باشد. (طباطبایی، ۱۳۵۵)

دکتر گوستاولوبون در این باره می‌گوید: «احکام ارث در قرآن مبنی بر انصاف و داد (عدل) است. اگر خوانندگان، آیاتی را که در این باب نقل شده است مطالعه کنند، نظریه ما را تصدیق می‌نمایند. اگرچه فروعاتی را که فقها (علما و متخصصین دین و احکام شرعی دین اسلام) در این باره استخراج نموده‌اند، تمام آن در این آیات درج نیست؛ ولی با کمال وضوح ذکر شده. خلاصه، وقتی که این احکام را با قوانین ارث انگلیس و فرانسه مقایسه نمودم، از ملاحظه آن، درباره زنان شوهردار که می‌گویند، دین اسلام با آنها به طور انصاف رفتار نکرده، دریافتم که این اشکالات، هیچ پایه و اساسی ندارند؛ بلکه نسبت به احکام ارث ما (فرانسه)، اسلام حقوق زنان را بیشتر مراعات کرده است. حقوق قانونی را که برای زنان منکوحه (ازدواج کرده) از روی قرآن و کتب فقهی مقرر شده، از حقوق زنان اروپا به مراتب بیشتر و بالاتر است؛ زنان اسلام تنها مهر نمی‌گیرند، بلکه املاک شخصی آنها نیز کاملاً در تصرف خودشان است و برای هزینه و مصارف خانوادگی، ملزم نیستند که دیناری پرداخت نمایند و هر وقت که طلاق داده شوند، لباس و مخارج خود را باید بگیرند و هرگاه شوهر فوت کند، زن تا یک سال از اموال او مخارج خود را گرفته و علاوه بر آن از باقی مانده ثروت همسرش نیز سهم معینی به او داده می‌شود. علاوه بر حقوقی که بر شمردیم، مسلمین زنان خود را بسیار احترام می‌کنند و نظر به مراتب و جهات ذکر شده، وضع زنان مشرق تا این پایه خوب و رضایت‌بخش است که تمام جهانگردان بانصاف، آن را تصدیق نموده‌اند.» (گوستاولوبون، ۱۳۸۲)

در هر صورت می‌توان علت این تفاوت در ارث را مربوط به تکالیف و هزینه‌های مالی دانست که تنها بر عهده مرد گذاشته شده است و زن نسبت به آنها هیچ تکلیفی ندارد. هزینه‌هایی از قبیل:

الف. «مهر»

در احکام اسلام یکی از حقوق مالی که مرد باید به زن بپردازد، مهریه است که بعد از انعقاد عقدنکاح هر وقت زن اراده کند می‌تواند مهریه را از مرد مطالبه نماید و مرد ملزم به پرداخت آن می‌باشد.

ب. «نفقه»

یکی دیگر از حقوق مالی که در طول زندگی زناشویی بر عهده مرد است نفقه یا همان خرج روزانه زن و فرزندان و تأمین خوراک، پوشاک و مسکن و ... آنان است. این مقدار از هزینه مالی سهم بسیار زیادی در دارائی‌های مرد دارد، به طوری که اگر بخواهد در طول زندگی مشترک این هزینه را جمع کند شاید ده‌ها برابر ما زاد ارث او از ارث زن شود. این هزینه فقط بر عهده مرد است حتی اگر زن شاغل بوده و درآمدی داشته باشد یا ثروت و اموال زیادی راداشته باشد باز خرجی زندگی بر عهده مرد می‌باشد. و در صورت عدم دارایی یا عدم پرداخت مرد، زن مجبور به پرداخت این گونه از هزینه‌ها نیست.

ج. «پرداخت دیه قتل خطاء»

اگر شخصی قتل خطائی انجام دهد دیه او بر عاقله اش است، و دیه عاقله بر عهده مردان است و در این مورد بر زنان چیزی واجب نیست.

د. «جهاد»

علت دیگری که برای بیشتر بودن ارث مرد بیان شده است واجب بودن جنگ و جهاد و خدمت سربازی بر مردان می‌باشد و مسئولیتی بر عهده زنان در این خصوص نمی‌باشد.

ر. تکالیف و وظایف مردان

تکالیف و وظایفی که بر عهده مردان گذارده شده، موجب می‌شود در عمل، نیمی از درآمد آنان صرف زنان گردد. مرد باید هزینه زندگی همسر خود را طبق نیازمندی او از مسکن و پوشاک و خوراک و سایر لوازم بپردازد و هزینه زندگی خود و فرزندان نیز بر عهده اوست. حتی اگر شأن زن و موقعیت او اقتضا کند تا خدمتکاری را استخدام نماید و خودش هم توان مالی پرداخت مزد او را داشته باشد، باز هم پرداخت حقوق و مزد خدمتکار بر عهده مرد است و حتی زن می‌تواند برای کاردرخانه و شیردادن به فرزند خود مبلغی را از شوهر خود بخواهد. با این توضیحات، مشخص می‌شود که زیاد بودن ارث زن، لازمه توازن و تعادل میان ثروت زن و مرد است و تازه اگر در این میان اعتراضی هست باید از سوی مردان باشد نه زنان، که وقتی زنان هم این مطالب را متوجه می‌شوند و در زندگی تفاهم و ایمان وجود داشته باشد اعتراضی بر این قوانین خداوند متعال نخواهد بود در مقابل وظایفی که مرد بر عهده دارد، زن از پرداخت هرگونه هزینه‌ای معاف است و حتی نسبت به تأمین مخارج خود از قبیل پوشاک و خوراک و ... هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد، لذا در عمل، این زن است که سهم بیشتری از اموال را در اختیار می‌گیرد. در ضمن وقتی به مردان ارث بیشتری می‌رسد باز خرج زن و بچه‌هایش می‌کنند و آنها در رفاه و آسایش بیشتری قرار می‌گیرند.

نتیجه گیری

- ۱- حقوق خانواده به خصوص بحث ارث زوجین و زن در طول تاریخ بین اقوام و ادیان مختلف مورد توجه و بررسی بوده است و باتوجه به قوانین موجود و پیشینه فرهنگی و دین و حکومتی هر زمان اعمال شده است.
- ۲- مقایسه این مقوله در اقوام و ملل مختلف گذشته موجب میشود تا به برخی از نقاط ضعف و یا قوت پی برده شود و قانون گذاران و حقوق دانان به آنها توجه و اقدام مناسب تری را بنمایند
- ۳- هر مکتبی که بخواهد بشر را به سعادت برساند باید به جنبه فردی و اجتماعی او توجه خاصی داشته باشد تمام ادیان الهی و دین مبین اسلام در زمینه فطرت و آفرینش و نیازهای فردی و اجتماعی و روانی زن و مرد توجه ویژه ای داشته تا آنجاکه زنان را از ارث بهره مند ساخته است و به طور عادلانه برای زنان نیز مانند مردان با در نظر گرفتن اختلافات و تکالیف هریک حقوق و مزایایی مناسب و معقولی را در نظر گرفته است .
- ۴- چون مخارج و احتیاجات مالی مرد بیشتر از زن است، اسلام سهم الارث مرد را بیشتر از زن قرار داده تا طبق اصل تقسیم مال بر اساس حاجت ، تعادلی میان درآمد و مخارج آنها برقرار گردد.
- ۵- تفاوت در وظایف و مسئولیتها، براساس وجود تفاوت در جسم و اندام و روحیات زن و مرد است و اینگونه تفاوتها فضیلت نیستند ، چرا که هیچ کمالی از کمالات و فضایل معنوی مشروط به مرد بودن نیست وزن از هیچ کمالی محروم نمی باشد ، زن هم مانند مرد در کسب فضایل آزاد است اما تفاوتهایی بین زن و مرد وجود دارد که لازم است تا به نسبت همین تفاوتها حقوق مختلفی بین آنان جاری باشد .
- ۶- باید توجه داشت که زن همانند مرد همراه با تمام طبقات سه گانه ارث، حضور حقوقی دارد و از تمامی مراتب طبقه بندی شده سهم خود را اخذ می کند. این طور نیست که سهم زن از ارث دائما کمتر از مرد باشد بلکه گاهی با مرد مساوی است و گاهی کمتر از آن و زمانی نیز بیشتر از سهم مرد می باشد.
- ۷- زن و شوهر در صورتی میتوانند از یکدیگر ارث ببرند که عقد نکاح دائم به صورت صحیح در بین آنها انجام گرفته باشد و در هنگام فوت هریک از زوجین این نکاح و علقه زوجیت باید وجود داشته باشد و برای صحت نکاح عمل نزدیکی شرط نیست و همین که عقد نکاح با شریط صحیح منعقد شد موجب برقراری توارث بین زوجین میشود.

منابع :

- ۱- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، تهران، نشر سپهر، ۱۹۸۹ میلادی، سوره نساء/آیه ۷
- ۲- سبحانی، جعفر، ۱۳۷۷، فروغ ابدیت، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، جلد ۱، صفحه ۴۸
- ۳- الشوکانی، محمد بن علی، ۱۳۴۳، فتح القدر، چاپ دوم، مصر چاپخانه مصطفی حلبی بابی، ج ۱، ص ۴۲۸.
- ۴- طباطبایی، سید محمد حسین طباطبایی، ۱۳۵۵، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، جلد ۴ صفحه ۱۹۹.
- ۵- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶ حقوق مدنی (دوره مقدماتی شفعه، وصیت و ارث)، تهران، نشر میزان، چاپ نهم
- ۶- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران
- ۷- شهیدی، مهدی، ۱۳۸۱، ارث، چاپ چهاردهم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد. صفحه ۲۱ و ۳۱
- ۸- امامی، سید حسن، ۱۳۸۳ حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، ج ۳، صفحه ۱۷۵
- ۹- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، تهران، ص ۱۶۶
- ۱۰- آسیموف آیزاک، ۱۳۷۲، اسرار مغز آدمی، ترجمه محمود بهزاد، تهران، علمی و فرهنگی، ص ۱۱۸.
- ۱۱- حسینی، سیدهادی، ۱۳۸۱، کتاب زن، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۱۰۷.



دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

۱۲- گان کریستین، ۱۳۷۵، استخوان شناسی و مفصل شناسی، ترجمه صوفیا نقدی، انتشارات نخل، ص ۴.

۱۳- شیخ صدوق، ۱۳۵۳، من لایحضره الفقیه، انتشارات مکتبه الصدوق تهران، ج ۴، ص ۱۸۸.

۱۴- وبگاه دفتر مطالعات و تحقیقات زنان «<http://womenrc.ir/News/۲۸۴۹۹.htm>» - پایگاه اینترنتی شیعه نیوز «فتوای جدید رهبر انقلاب در باب

سهم‌الارث زنان

۱۵- در این زمینه به کتب زیر مراجعه شود: ۱- خراسانی، محمود بن عبد السلام تربتی شهابی، ادوار فقه (شهابی)، ۳ جلد، سازمان چاپ و انتشارات، تهران - ایران، پنجم،

۱۴۱۷ هـ ق ۲- تبریزی، جعفر سبحانی، الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف ج ۲، ص: ۲۲۱، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۳ هـ ق ۳- بروجردی، آقا

حسین طباطبایی، تقریرات ثلاث (للبروجردی)، ص: ۹۹ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ ق ۴- تبریزی،

جعفر سبحانی، سلسله المسائل الفقهیه ج ۲۲، ص: ۱۹، قم - ایران، اول، هـ ق ۵- گلپایگانی، لطف الله صافی، میراث الزوجه ص: ۸۸ القرآن الکریم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۵ هـ

ق

۱۶- محمد بن حسن، حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ ق، وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص: ۲۱۲-۲۰۶، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم

۱۷- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ هـ ق، تهذیب الأحکام ج ۹، ص: ۳۰۰، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم

۱۸- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۷، ص: ۲۸ دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم

۱۹- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۳۹۰ هـ ق، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۴، ص ۱۵۳ دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ اول

۲۰- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۳ هـ ق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص: ۳۴۹، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم،

۲۱- گوستاولوبون، ۱۳۸۲، تمدن اسلام و غرب، ترجمه فخر داغی گیلا نی، نشر دنیای کتاب تهران، ص ۴۹۵-۵۲۴.